

راهبردهای هسته‌ای متفاوت ایران؛ تبیینی از دریچه واقع‌گرایی نئوکلاسیک

سید امیر نیاکویی^۱، عسگر صفری^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۴/۲۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۸/۲۸

چکیده

این مقاله از چشم انداز واقع‌گرایی نئوکلاسیک بر تجزیه و تحلیل راهبردهای ایران در زمینه پیش برد برنامه هسته‌ای پس از ۱۳۸۲، پرداخته است و این گونه توضیح می‌دهد که بررسی راهبردهای هسته‌ای ایران در طول دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ حاکی از تغییر و نوسان در این راهبردها است و با توجه به این که در طول این دوره زمانی راهبرد یکسانی در پیش برد برنامه هسته‌ای ایران وجود نداشته است، به طور مشخص هدف این مقاله بررسی علل و متغیرهای تأثیرگذار در راهبردهای هسته‌ای متفاوت ایران و پاسخ‌گویی به این پرسش است که: چه عواملی باعث تغییر در راهبرد هسته‌ای ایران در طول سال‌های مذکور شده و چگونه می‌توان این تغییر در راهبرد هسته‌ای ایران را تبیین نمود؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نوع راهبرد و رفتاری که ایران در قبال موضوع هسته‌ای اتخاذ کرده است آمیزه‌ای از تعامل عوامل بیرونی (نظام بین‌الملل) و عوامل داخلی (ساختار و قدرت داخلی و نوع ادراک نخبگان تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی ایران) بوده است. در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ هرکدام از دولت‌ها با توجه به ظرفیت‌های داخلی و برداشتهای خود، فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل را ترجمه کرده و به آن پاسخ داده‌اند. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، راهبرد هسته‌ای، تغییر، رئالیسم نئوکلاسیک، ساختار داخلی، برداشت نخبگان

۸۵



سیاست جهانی

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

نویسنده مسئول: niakoe@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

مقدمه

سابقه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به دهه ۵۰ میلادی بازمی‌گردد. در دوران قبل از انقلاب، ایران مجموعه‌ای از پروژه‌های هسته‌ای را راه‌اندازی کرده بود که عمدتاً مبتنی بر حمایت‌های ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا بود. ایران همچنین در طول این دوره زمانی آموزش و تحقیقات هسته‌ای را در دانشگاه تهران پیگیری می‌کرد. امضای پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۳۴۷ و تصویب آن در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۹ از مهم‌ترین اقدامات ایران در زمینه موضوع هسته‌ای بود. ایران همچنین در سال ۱۳۵۳ پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه داد که خواستار ایجاد یک منطقه بدون سلاح هسته‌ای در خاورمیانه می‌شد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ باعث گردید که فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای مدتی متوقف شود. شروع جنگ تحمیلی و خسارت‌های ناشی از این جنگ که زیرساخت‌های هسته‌ای موجود به‌ویژه نیروگاه اتمی بوشهر را نیز تحت تأثیر قرارداد باعث شد که موضوع برنامه هسته‌ای برای سال‌های متوالی از اولویت‌های سیاست خارجی ایران خارج شود.

از سال ۱۳۸۲ و با اعلام محمد البرادعی، دبیر کل سازمان ملل متحد مبنی بر این‌که ایران از جمله کشورهایی است که به فناوری غنی‌سازی اورانیوم دست‌یافته است، موضوع برنامه هسته‌ای بار دیگر در سیاست خارجی ایران مطرح شد. کشورهای غربی در قالب گروه ۵+۱ و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا استدلال دارند که ایران به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است و یا حداقل توان تولید این‌گونه از سلاح‌ها را دارد. به عقیده آن‌ها شناخت فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای از برنامه‌های ساخت سلاح هسته‌ای بسیار دشوار است، زیرا بسیاری از فناوری‌های مربوط به این حوزه استفاده دوگانه دارند. این امر باعث شده است که این کشورها چه در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت و چه در قالب اقدامات یک‌جانبه تحریم‌های مختلفی را علیه برنامه هسته‌ای ایران اعمال کنند. این تحریمها طیف مختلفی از موضوعات اقتصادی، آموزشی، بانکی، حمل‌ونقل و ارتباطات و فناوری‌های مربوط به برنامه هسته‌ای را شامل می‌شود.

از زمان مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی به‌عنوان موضوعی که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، دولت‌های مختلف در ایران با به‌کارگیری راهبردهای مختلف تلاش کرده‌اند به این موضوع واکنش نشان دهند. بررسی کلی از راهبردهای اتخاذی ایران در طول ۱۴ سال مورد بررسی حاکی از این است که راهبردهای هسته‌ای ایران در طول این مدت پر نوسان بوده و راهبرد یکسانی از سوی دولت‌های مختلف برای پیگیری برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ نشده است. دلایل و چرایی این نوسان و تغییر در راهبردهای هسته‌ای ایران از جمله موضوعاتی است که در ادبیات پژوهشی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران مورد غفلت واقع شده است؛ هدف مقاله حاضر بررسی چرایی تغییر در سیاست‌های هسته‌ای ایران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ است. پرسش اصلی که این پژوهش مطرح می‌کند چنین است: چه عواملی باعث تغییر در راهبرد هسته‌ای ایران در طول سال‌های مذکور شده و چگونه می‌توان این تغییر در راهبرد هسته‌ای ایران را تبیین نمود؟ برای پاسخ‌گویی به پرسش فوق مقاله در دو بخش تدوین شده است. بخش اول چارچوب نظری پژوهش است. چارچوب نظری اتخاذ شده، رئالیسم نئوکلاسیک است. این بخش تلاش می‌کند زمینه تحلیل و ارزیابی موضوع پژوهش را فراهم کند. بخش دوم اختصاص به واکاوی راهبرد هسته‌ای ایران در دوره‌های مختلف و نیز تبیین علل تغییر در این راهبردها دارد.

۱. چارچوب نظری؛ واقع‌گرایی نئوکلاسیک

واقع‌گرایی نئوکلاسیک ترکیبی از واقع‌گرایی سنتی و واقع‌گرایی ساختاری است. رئالیسم نئوکلاسیک به‌عنوان یک مکتب فکری در داخل رئالیسم توسعه یافت تا متغیرهای سطح سیستمی و متغیرهای سطح واحدها (دولت‌ها) را در درون یک چارچوب تئوریک منسجم سازمان‌دهی کند و بعد توضیحی رئالیسم را تقویت کند. رئالیسم نئوکلاسیک مبتنی بر فرضیه‌های رئالیسم است، از جمله اینکه دولت‌ها در محیط آنارشی به سر می‌برند و این محیط، دولت‌ها را به سمت کسب امتیاز و قدرت سوق می‌دهد. با این وجود برخلاف رئالیسم کلاسیک، تمرکز رئالیسم نئوکلاسیک تنها بر توزیع قدرت نیست. رئالیسم نئوکلاسیک به دنبال شناسایی راه‌هایی است که عوامل داخلی رفتار

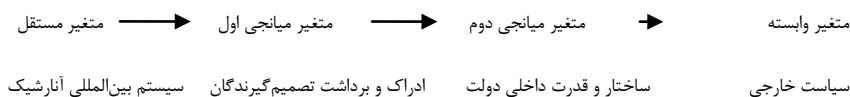
دولت‌ها را شکل می‌دهند. گیدئون رز^۱ استدلال می‌کند که "فضا و خواسته‌های سیاست خارجی کشورها در وهله اول از طریق موقعیت آن‌ها در سیستم بین‌المللی و به‌ویژه امکانات و توانایی‌های مادی آن‌ها تعیین می‌شود و به این خاطر است که آن‌ها رئالیست هستند. باین وجود تأثیر چنین توانایی‌های قدرتی بر سیاست خارجی غیرمستقیم بوده و پیچیده است. برای اینکه فشارهای سیستماتیک باید از طریق متغیرهای مداخله‌گر که در سطح دولت‌ها وجود دارد ترجمه شوند و به این خاطر است که آن‌ها رئالیسم نئوکلاسیک را اتخاذ می‌کنند" (Rose, 1998: 146).

رئالیسم نئوکلاسیک در سه فرضیه با رئالیسم سنتی و رئالیسم ساختاری مشترک است. "اول اینکه رئالیسم نئوکلاسیک همانند سایر اشکال رئالیسم گروه‌گرا است. چون افراد بشری نمی‌توانند به صورت فردی زنده بمانند به صورت گروهی زندگی می‌کنند. این گروه‌ها امنیت اعضای خود را در مقابل دشمنان خارجی تأمین می‌کنند و این توانایی را دارند تا وفاداری اعضای خود را تأمین کنند. دوم، با توجه به همین ویژگی مبتنی بر گروه بودن، بسیاری از رئالیست‌های نئوکلاسیک، دولت را به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر سیاسی بین‌المللی تلقی می‌کنند. چون منابع مادی و معنوی کمیاب هستند و گروه‌ها از نیت حال و آینده سایر گروه‌ها اطلاع ندارند، سیاست، کشمکش میان گروه‌های دارای منافع است. سوم، با توجه به اینکه هدف گروه‌ها بقا یا تسلط بر سایر گروه‌ها است، گروه برای حفظ اهداف خود نیاز به قدرت دارد" (Reiby, 2012: 14). رئالیسم نئوکلاسیک تلاش می‌کند کاستی‌های رئالیسم سنتی و ساختاری را برطرف کند و تلفیقی از هر دو نظریه باشد.

رئالیسم نئوکلاسیک این ایده را از رئالیسم ساختاری عاریه می‌گیرد که عوامل سیستماتیک، بعد کلی سیاست خارجی را تعیین می‌کند؛ اما این موضوع را نیز مدنظر قرار می‌دهد که متغیرهای داخلی در تصمیم‌گیری نهایی دخالت دارند. درحالی‌که توازن مادی نسبی پارامترهای سیاست خارجی را تعیین می‌کند، چرایی اینکه کشورهای مختلف یا کشورهای همسان سیاست خارجی مختلفی را در عرصه بین‌المللی دنبال می‌کنند را باید در متغیرهای داخلی جست‌وجو کرد. رئالیسم نئوکلاسیک اولین شاخه از

1 Gideon Rose

رنالیسم است که به سطوح داخلی دولت‌ها توجه می‌کند، چون دولت‌ها برای تأمین امنیت باید متکی به خود باشند. ادراک یا برداشت‌های آن‌ها از واقعیت‌های موجود نتایج حوادث سیاسی را مشخص می‌کند. اگرچه ویژگی‌های ساختاری نقش مهمی در تصمیم‌گیری و عمل بازی می‌کند ولی متغیرهای داخلی دولت در تشخیص اینکه دولت‌های چگونه پاسخ خواهند داد مهم است. رنالیسم نئوکلاسیک عقیده دارد که متغیرهای سیستم بین‌المللی به صورت متفاوتی از سوی سایر کشورها ادراک می‌شود و این ادراک تأثیر بسزایی بر واکنش دولت‌ها دارد.^۱ ادراک یا برداشت عامل مهمی در این موضوع است که دولت‌ها چگونه تعامل می‌کنند و دیگری را می‌بینند. ادراک از طریق تاریخ و فرهنگ ساخته می‌شود. مدال یا الگوی عوامل داخلی، انتظارات و آداب و رسوم دولت‌ها بر فرآیند تصمیم‌گیری تأثیرگذار است^۲ (Durani, 2015: 39). الگوی رنالیسم نئوکلاسیک به شکل زیر است.



(Dersan, 2012: 14)

تمرکز اصلی رنالیسم نئوکلاسیک برای تبیین تغییر در سیاست خارجی بر متغیرهای میانجی است. به گفته گیدئون رز از طریق این متغیرهای داخلی است که فشارهای ساختاری نظام بین‌المللی آنارشی در داخل هر کشور ترجمه و پاسخ داده می‌شود. این متغیرهای میانجی عبارت‌اند از:

۱-۱. متغیر ادراک و برداشت تصمیم‌گیرندگان

در زمینه افراد و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی تأکید بر مسائل انگیزشی و شناختی است. اصطلاحی هم که برای توصیف این ارتباط به کار گرفته شده است پارادایم شناختی است. جرویس^۱ عقیده دارد که " گزاره مرکزی پارادایم شناخت حاکمی از این است که زمینه‌ها یا ذهنیت‌های شناختی افراد نقش نامناسبی را در شکل‌گیری ادراک آنها بازی می‌کنند. این امر موجب گرایش کلی آن‌ها به سمت توجه انتخابی به اطلاعات و دسته‌بندی اطلاعات می‌شود. این فرایند باعث می‌شود که افراد آن چیزی را ببینند که

1 Robert Jervis

قابل‌انتظار است و بر اعتقادات و جهان‌بینی‌های قبلی آن‌ها اتکا دارد. به‌عبارت‌دیگر در این فرآیند ادراک یا برداشت تئوری محور است تا داده محور" (Jervis, 1978: 35). دیوید ولج^۱ نیز بر عنصر ادراک تأکید داشته و عقیده دارد "تغییر در سیاست خارجی روند متعارفی نیست و در صورت وقوع ارتباط مستقیمی با ادراک تصمیم‌گیرندگان از شکست سیاست خارجی پیشین دارد. به‌عبارت‌دیگر بیشترین احتمال وقوع تغییر در وضعیتی است که تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی از هزینه‌های فراوان تداوم رویکرد غالب کنونی در هراس باشند" (آران و آلدن، ۱۳۹۴: ۱۲۵). هرمان^۲ نیز با تکیه بر عنصر شناخت و تأثیر آن بر ادراک رهبران بین رهبران تهاجمی و رهبران مصالحه‌جو تفاوت قائل می‌شود. وی عقیده دارد که "رهبران تهاجمی دارای ویژگی‌های معینی هستند. از جمله گرایش ماکیاولیستی تسلط بر دیگران، تمایل به نیاز فزاینده به قدرت، گرایش به سوءظن و بدگمانی، ملی‌گرایی افراطی و اقدام بر اساس منافع ملی، در مقابل رهبران مصالحه‌جو تمایل به روابط دوستانه با دیگر ملت‌ها دارند. به دیگران اعتماد می‌کنند. ملی‌گرایی در آن‌ها پایین است، توانایی کشف و بهره‌برداری از سیاست‌های متفاوت را نیز دارند" (Herman, 1980, 25).

۱-۲. متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت

در بحث متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت بر سه موضوع تأکید می‌شود. الف) رژیم سیاسی ب) ساختار داخلی ج) بروکراسی دولتی

الف رژیم سیاسی: رژیم سیاسی به‌عنوان مجموعه نهادینه‌شده‌ای از قواعد رسمی و غیررسمی است که چهار کاربرد اساسی دارد " ۱- تعیین دارندگان قدرت (کسانی که قدرت تصمیم‌گیری نهایی را دارند) ۲- قانونمند کردن توزیع مناصب سیاسی (حقوق سیاسی) ۳- تعیین کردن محدودیت‌های داخلی (آزادی‌های مدنی) ۴ محدودیت به‌کارگیری قدرت سیاسی (تقسیم قدرت، کنترل و اقتدار" (Van Den Bosch, 2016: 112). رژیم‌های سیاسی در سراسر جهان با توجه به ویژگی‌های خود از جمله درجه

1 David Welch

2 Margaret G. Hermann

بیشتر یا کمتر آزادی‌های مدنی و غیره به دموکراتیک یا غیر دموکراتیک (اقتدارگرا و سایر اشکال دولت‌های انحصارگرا) قابل دسته‌بندی هستند. هاکسول^۱ عقیده دارد که " آن ویژگی‌هایی که بر اتحاد یا عدم اتحاد و نظامی‌گری رژیم‌های سیاسی تأثیر دارد در سطح پایین نیز در کاربست فعالیت‌های روزانه سیاست خارجی تأثیر دارد. چگونگی تأثیر رهبران، گروه‌ها و ائتلاف بازیگران در شکل‌گیری سیاست خارجی، گزینه‌هایی که انتخاب می‌شود، تصمیم‌هایی که اتخاذ می‌شود و چگونگی تأثیر این فرایند بر تغییر سیاست خارجی، ارتباط نزدیکی با رژیم‌های سیاسی دارد " (Huxsoll, 1991: 40).

ب) ساختار داخلی: ساختار داخلی اشاره به ویژگی‌ها و عامل تأثیرگذار داخلی در سیاست خارجی هر کشور دارد. این ساختارهای داخلی عبارت‌اند از " موقعیت جغرافیایی یک کشور، منابع طبیعی و انسانی، ماهیت سیستم سیاسی، کیفیت رهبری، نوع و ماهیت تعامل بین گروه‌های اجتماعی در جامعه " (Ambe-uva and Adegboyega, 2007: 46). برخی عقیده دارند که سیاست خارجی راهبردی است برای پر کردن خلأ ایجادشده به وسیله محدودیت‌های جغرافیایی، منابع طبیعی و انسانی و سایر عوامل محدودکننده؛ بنابراین " سیاست خارجی دولت‌ها وابسته به متغیرهای گوناگون از جمله برخورد آن با واقعیت‌های داخلی است. این امر موجب می‌شود که دولت‌های در بسیاری از موارد عمل‌گراتر باشند تا اخلاق محور، اقتصادی عمل کنند تا نظامی، وابسته باشند تا منزوی، بین‌الملل‌گرا تر باشند تا ملی‌گرا. به دلیل ماهیت دوگانه سیاست خارجی رهبران مجبور هستند تا این بازی دوگانه را هم در عرصه بین‌المللی و هم در عرصه داخلی انجام دهند. ضعف در داخل موجب تضعیف در عرصه بین‌المللی می‌شود و عملکرد ضعیف در عرصه بین‌المللی ممکن است در داخل به شکست دولت منجر شود " (Gerschwer, 2016: 4).

ج) بروکراسی دولتی: تحلیل‌های سیاست خارجی گرایش به توضیح نگرش‌های مطالعه سیاست بین‌المللی و توضیح چرایی و چگونگی رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی دارد. با این وجود در زمینه تصمیم‌گیری بازیگران عمده‌ای در تصمیم‌گیری سیاسی دخالت دارند

1 David Baker Huxsoll

که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نهادهای دولتی هستند که در قالب بروکراسی توصیف می‌شوند. " بروکراسی‌های ملی در قلب تحلیل‌های سیاست خارجی قرار دارند. بروکراسی‌ها هم در کشورهای کوچک و هم در کشورهای بزرگ شکل می‌گیرند و تمایل آن‌ها به دفاع از منافع ملی است. اگرچه چندین سازمان در قالب بروکراسی می‌توانند بر سیاست خارجی تأثیر بگذارند، اما سازمان‌هایی نظیر وزارت خارجه، وزارت کشور، وزارت دفاع، وزارت اقتصاد تأثیر قابل‌توجهی بر سیاست خارجی دارند. همان‌گونه که آلیسون یادآوری می‌کند بروکراسی‌ها تلاش دارند منافع ملی را در قلبی قرار دهند که دربرگیرنده منافع سازمانی خود آن‌ها نیز باشد" (Kayode, 2009: 28).

۲. راهبرد هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

سابقه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به قبل از انقلاب اسلامی ایران بازمی‌گردد ولی مطرح شدن آن به‌عنوان یک موضوع اساسی در سیاست خارجی ایران از سال ۱۳۸۲ شروع شده است. در این سال البرادعی دبیر کل آژانس بین‌المللی هسته‌ای از تأسیسات هسته‌ای ایران بازدید کرد و رسماً اعلام نمود که ایران از جمله کشورهایی است که به فن‌آوری غنی‌سازی هسته‌ای دست یافته است. از آن زمان تاکنون سیاست خارجی ایران سه نوع راهبرد متفاوت هسته‌ای را در قالب راهبرد هسته‌ای محمد خاتمی (عدم ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای)، راهبرد هسته‌ای محمود احمدی‌نژاد (بی‌توجهی به روندهای بین‌المللی، حداکثر سازی فعالیت‌های هسته‌ای) و راهبرد هسته‌ای حسن روحانی (حفظ محدود غنی‌سازی، تعلیق برخی فعالیت‌های هسته‌ای و مذاکره) تجربه کرده است.

۲-۱. سیاست خارجی و راهبرد هسته‌ای محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

۱-۲-۱. متغیر مستقل (نظام بین‌المللی)

تحولات جهانی قبل و بعد از دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی در بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ تأثیر بسزایی بر نوع سیاست خارجی ایران در عرصه بین‌المللی داشت. فروپاشی شوروی قبل از دوران ریاست جمهوری خاتمی و حوادث ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن حمله به افغانستان و عراق در دوره دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی از مهم‌ترین تحولاتی بودند که سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار دادند. فروپاشی

بلوک شرق، نظم بین‌المللی را که مبتنی بر توازن دوقطبی بود تغییر داد و نظام بین‌المللی را به سمت نظم چندقطبی سوق داد. با این وجود ایالات متحده آمریکا در این نظم توان بازیگری بالایی داشت. یکی از کشورهایی که از این نظم جدید متأثر گردید، ایران بود. شیرین هانتر عقیده دارد که " بعد از فروپاشی شوروی اهمیت استراتژیک ایران برای غرب از بین رفت و غرب دیگر ایران را به‌عنوان دیواری در مقابل زیاده‌خواهی‌های شوروی در خلیج فارس در نظر نمی‌گرفت. به‌رحال موقعیت ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بالقوه جنبه‌های رقابت‌آمیز روابط آن با قدرت‌های جهانی را بازتاب می‌داد. این عامل در ترکیب با موضع ضد غربی ایران، این کشور را به‌عنوان تهدیدکننده غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا معرفی می‌کرد که این امر منجر به سخت‌تر شدن نگرش آن‌ها به ایران می‌شد" (Hunter, 2010: 9).

وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر باعث افزایش سیاست یک‌جانبه‌گرایی از سوی ایالات متحده گردید. بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده آمریکا با این فرض که حمله به برج‌های تجارت جهانی حمله به ارزش‌های غربی است، نقش بیشتری را برای خود در زمینه موضوعات جهانی قائل شد. این یک‌جانبه‌گرایی، سیاست خارجی ایران به‌ویژه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را که در نقطه شروع خود قرار داشت تحت تأثیر قرارداد. " در مورد ایران، سیاست‌های اتخاذی دولت بوش بیشتر شبیه به سیاست‌های آمریکا در مورد کره شمالی بود، چون دولت بوش تأکید می‌کرد که ایران داری سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای است. در روزهای اولیه بعد از سقوط بغداد، دولت بوش در نظر داشت تهدیدات پنهانی را متوجه ایران کند اما خیلی زود این تمایل از بین رفت و به‌جای آن تلاش‌های دیپلماتیک و اقتصادی دنبال گردید. در سال ۲۰۰۳ نیز جان بولتن تصریح کرد که استراتژی اولیه دولت بوش برای پایان دادن به تهدیدات سلاح‌های هسته‌ای فشارهای یک‌جانبه و چندجانبه است" (McCormick, 2010: 223).

۱-۲-۲. متغیرهای میانجی رئالیسم نئوکلاسیک و راهبرد هسته‌ای سید محمد خاتمی

الف) متغیر ادراک فردی (محمد خاتمی) به‌عنوان تصمیم‌گیرنده

محمد خاتمی به‌عنوان رهبر جنبش اصلاح‌طلبی در ایران، قبل از هر چیز خود را فردی دانشگاهی و متفکر در نظر می‌گرفت که به دنبال زمینه‌سازی گسترش دموکراسی، توسعه

سیاسی و رشد اقتصادی بود. خاتمی نگاه خوش‌بینانه‌ای به ساختار نظام بین‌المللی داشت و به دنبال برقراری روابط با جهان خارج، ایفای نقش فعال در موضوعات جهانی، پررنگ‌تر کردن حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی و پایان دادن به انزوای ایران در عرصه بین‌المللی بود. محمد خاتمی برای پیش برد اهداف سیاست خارجی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، استراتژی تنش‌زدایی را پیش گرفت. "سیاست تنش‌زدایی در این دوره مبتنی بر بنیان نهادن سیستم دموکراتیک در داخل کشور و درخواست صلح و امنیت از جهان خارج بر پایه عدالت و تأکید بر اصول برابری و حذف زور از روابط بین‌المللی بود" (Dehghani Firoozabadi and Zare Ashkezari, 2015: 277).

از مهم‌ترین ابزارهای محمد خاتمی برای تحقق استراتژی تنش‌زدایی، ابتکار گفت‌وگوی تمدن‌ها بود. در زمان روی کار آمدن محمد خاتمی سیاست خارجی ایران تحت فشار قرار داشت، به‌ویژه پس از مطرح‌شدن ایده نزاع بین تمدن‌ها از سوی ساموئل هانتینگتون، ابتکار عمل سیاست خارجی ایران در عرصه بین‌المللی با محدودیت مواجه شده بود. از طریق ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها "خاتمی به دنبال نفوذ یا تأثیرگذاری بر ایده نزاع بین تمدن‌ها بود و تأکید داشت که نظم جهانی نباید به‌صورت غرب در مقابل بقیه نگریسته شود. در دنیای جهانی شده، خاتمی از استراتژی گفت‌وگو استفاده کرد تا ایران به‌عنوان بخشی از جامعه بین‌المللی باشد و در همان زمان تلاش کرد تا جامعه بین‌المللی را در مورد درک فلسفی خود قانع کند که جامعه بین‌المللی به‌جای چالش‌های دیپلماتیک موجود باید مبتنی بر گفت‌وگو باشد" (Aldosari, 2015: 54). زمینه‌های ایده گفت‌وگوی تمدن‌های محمد خاتمی علاوه بر تلاش برای کاستن از اثرات نظریه نزاع بین تمدن‌های ساموئل هانتینگتون ریشه در یک موضوع نیز داشت و آن عبارت بود از "تجربه و شخصیت رئیس‌جمهور. با توجه به تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خاتمی تجربه بسیار خوبی در زمینه گفت‌وگو بین مذاهب به‌ویژه اسلام و مسیحیت داشت. از طرف دیگر ایده گفت‌وگو و فهم مشترک عمدتاً فرهنگی بود که زبان خود را داشت و متفاوت از زبان قدرت، نظامی‌گری، منافع اقتصادی و دیپلماسی برابری قدرت بود" (Hafeznia, 2005: 23).

ب) متغیر ساختاری و قدرت داخلی

ساختار تصمیم‌گیری در سیاست داخلی و خارجی ایران پیچیده است و نهادهای مختلفی در آن دخیل هستند. با این وجود نهادهایی از جمله قوه مجریه، رهبری، و قوه مقننه تأثیرات بسزایی در شکل‌گیری تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی دارند.

۱. قوه مجریه (دوره ریاست جمهوری خاتمی)

دولت محمد خاتمی دولت توسعه‌گرایی بود که به دنبال رشد و توسعه اقتصادی بود. گرایش دولت این بود که از طریق اصلاحات داخلی و بهبود قانون اساسی بتواند زمینه‌های حرکت کشور به سمت دموکراسی را تسهیل کند. آن‌ها عقیده داشتند که درمان مشکلات موجود، اصلاحات و ترمیم قوانین اساسی است. دولت خاتمی عقیده داشت که اصلاحات نیازمند توسعه اقتصادی، دسترسی به تکنولوژی اطلاعات و آموزش است. "بعد اصلی گفتمان اصلاحات، مبتنی بر رونق اقتصادی بود؛ بنابراین رشد و توسعه اقتصادی قابل توجه و برقراری روابط دوجانبه با کشورهای همسایه و به‌ویژه کشورهای عربی اولویت دولت خاتمی بود. اگر ایران در اوایل نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی راضی نبود اما در این دوره نسبت به این امر بسیار مشتاق شد. در نتیجه گفتمان اصلاحات بسیار عمل‌گرا و فایده‌محور گردید و این موازی با تغییر در سیاست‌های ایران بود" (Altorai, 2012: 172). عمده‌ترین هدف سیاست خارجی درهای باز محمد خاتمی، بهبود روابط با جهان غرب از جمله ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای کاستن از فشارهای سیاسی بر ایران بود. دولت خاتمی تلاش داشت که از طریق گفت‌وگوهای فرهنگی و انتقادی با غرب زمینه‌های دولت توسعه‌گرا را که نیازمند بهره‌برداری از فرصت‌های جهانی بود را فراهم کند.

۲. رهبری

مقام رهبری به‌عنوان رکن اصلی تصمیم‌گیری در سیاست داخلی و خارجی ایران نسبت به اصلاحات داخلی و خارجی ایران نظری متفاوت داشتند. ایشان با کلیت اصلاحات موافق بودند اما "قاطعانه شخص رئیس‌جمهور و کابینه او را به متعهد شدن در به وجود آوردن اصلاحات معنوی عمیق در کشور نصیحت می‌کردند و عقیده داشتند که رفتار

تصمیم‌گیرندگان حکومت و نیز رفتار دولت مردان باید به سمت مدل رفتاری حرکت کند که درشان یک ملت اسلامی باشد. ایشان عقیده داشتند که ما باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اخلاقیات خود را قوام بخشیم، ما باید خودمان را به خدا نزدیک کنیم. ما باید توجه اساسی به برکات اسلام، معنویت اسلام و پیام سیاسی اسلام داشته باشیم" (Havespian-bearce, 2016: 180). رهبری انقلاب اسلامی نگاه ویژه‌ای به افکار عمومی دارند و ضمن ابراز عقیده خود تلاش دارند افکار عمومی را هم در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند. این نگرش در نگاه ایشان به سیاست خارجی دولت اصلاحات قابل مشاهده است. ایشان " با تلاش محمد خاتمی برای فراهم کردن زمینه‌های گفت‌وگو با کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا مخالفتی نکردند و حتی محمد خاتمی را از نشان دادن یک موضع خوب در برابر غرب بازداشتند. با این وجود انتقادات عمومی از سیاست‌های خاتمی را محدود نکردند، حتی اجازه دادند که گروه‌های مخالف به سیاست خارجی میانه‌رو محمد خاتمی انتقادات جدی وارد کنند" (Hadžikadunić, 2014: 8).

۳. مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی از دیگر ارکان تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. زمانی که محمد خاتمی سرکار آمد مجلس شورای اسلامی متشکل از نمایندگان محافظه‌کاری بود که خاتمی نتوانست تا انتخاب بعدی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۹-۱۳۷۸ همراهی مجلس را در مورد سیاست خارجی خود تداوم بخشد. طرفداران خاتمی در سال ۱۳۷۸ توانستند در دوره ششم انتخابات مجلس شورای اسلامی پیروزی قاطعی را به دست آورند. با توجه به اکثریت اصلاح‌طلبان در مجلس، نگرش مجلس در زمینه سیاست خارجی و برنامه هسته‌ای ایران تا حد زیادی با دولت همسو بود. در شهریور ۱۳۸۲ اولین قطعنامه در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران صادر شد. در این قطعنامه از ایران خواسته شد که پروتکل الحاقی را تصویب و اجرا و تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی خود را نیز تعلیق نماید. با صدور این قطعنامه فضای جدیدی در حوزه بین‌الملل در مورد فعالیت هسته‌ای ایران شکل گرفت و در داخل منجر به نگرانی و اختلاف در بین سیاسیون شد. یکی از نهادهایی که به این قطعنامه واکنش

نشان داد مجلس ششم بود. حسن روحانی در کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای اشاره می‌کنند که "برخی نمایندگان مجلس و وزرا عقیده داشتند که از غرب نیروگاه و امتیازات اقتصادی بگیریم و غنی‌سازی را برای مدت کوتاهی متوقف کنیم. در مجموع گروهی در داخل کشور هم در قوه مجریه و هم مجلس با غنی‌سازی چندان موافق نبودند و گاهی هم به صورت علنی مخالفت خود را اظهار می‌کردند" (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

۱-۲-۳. متغیر وابسته (راهبرد هسته‌ای سید محمد خاتمی)

راهبرد هسته‌ای محمد خاتمی تحت عنوان دیپلماسی تعامل هسته‌ای شناخته می‌شود. دولت اصلاحات در چارچوب راهبرد کلان سیاست خارجی خود مبنی بر تنش‌زدایی و اعتمادسازی عمل کرد و تلاش داشت دیپلماسی گفت‌وگو با بازیگران مؤثر در پرونده هسته‌ای ایران را در پیش بگیرد. "خاتمی نه تنها به سیاست تعهد به معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تعهد سیاسی به معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای ادامه داد و بلکه در دو حوزه دیگر سلاح‌های کشتار جمعی یعنی ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و سلاح‌های میکروبی تصمیمات مهمی را اتخاذ نمود. تصویب کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی توسط مجلس که توسط دولت قبل امضا شد اقدامی بود که دولت خاتمی از طریق وزارت خارجه به‌طور مستمر پیگیری می‌کرد. همچنین دولت اصلاحات در زمینه پیمان منع جامع آزمایش هسته‌ای مشارکت فعالی داشت. در زمینه هسته‌ای دولت خاتمی هیچ‌گاه از سیاست اصلی پایبندی به مفاد NPT دایر بر عدم گسترش فعالیت‌های نظامی هسته‌ای تخطی نکرد." (طباطبایی، توپچی، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

آنچه دیپلماسی هسته‌ای ایران در این دوره خوانده می‌شود دارای دو عنصر اساسی بود. "اول، تحرک سیاسی - دیپلماتیک ایران یعنی نزدیکی سیاسی با اعضای اتحادیه اروپا از یک طرف ۲- همکار مستمر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در این میان اتحادیه اروپا می‌توانست به‌عنوان جناح محکم، سیاست‌های ایالات متحده آمریکا علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران را تعدیل کند. در این چارچوب بود که مذاکرات با کشورهای اروپایی نقش مهمی در جریان پیگیری پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام پیدا کرد و ایران از رویارویی مستقیم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دور ماند. نتیجه دیگری که مشارکت

کشورهای اروپایی در دیپلماسی هسته‌ای ایران به بار آورد، طراحی یک همکاری گسترده با دولت‌های اروپایی و در نهایت همکاری با اتحادیه اروپا در تمامی سطوح سیاسی، امنیتی، هسته‌ای و تکنولوژیک بود که با توجه به وسعت و دامنه‌های آن در هیچ برهه‌ای از تاریخ سیاسی روابط ایران و غرب و به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی نظیر نداشت " (سلطانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

روی کار آمدن جمهوری خواهان به رهبری پوش و متعاقب آن حمله به عراق راهبردهای هسته‌ای خاتمی را با مشکل مواجه کرد؛ زیرا " علیرغم جناح‌بندی در اردوگاه غرب در مورد موضوع مداخله در عراق، کشورهای فرانسه، آلمان و انگلستان طرح ابتکاری برای شناسایی نگرانی‌های مربوط به برنامه‌های هسته‌ای ایران را ارائه دادند. این برنامه ابتکاری منجر به اعلامیه تهران در اکتبر ۲۰۰۳ و توافق‌نامه پاریس در نوامبر ۲۰۰۴ شد" (Huang, 2016: 4). در این برهه زمانی راهبرد هسته‌ای دولت خاتمی این بود که چرخه سوخت هسته‌ای جز منافع ملی است و باید از آن‌ها حفاظت شود. راهی که برای پاسداری از این هدف اتخاذ شد عبارت بود از دیپلماسی و همکاری با آژانس و مقاومت در برابر فشارها. " دولت خاتمی پس از رویرو شدن با این چالش جدی در برابر یک تصمیم‌گیری سخت قرار گرفته بود. مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مسئله پیش روی دولت خاتمی انتخاب یکی از دو راه تعامل با غرب به‌منظور رفع تنش و یا ادامه غنی‌سازی به قیمت قطع ارتباط با آژانس انرژی اتمی و عواقب احتمالی آن بود. قدر مسلم آنکه انتخاب هر یک از این روش‌ها به‌طور مستقیم و عینی تمام خط‌مشی‌های آینده دولت را تحت تأثیر قرار می‌داد. نهایتاً راهبرد دست‌اند کاران مذاکرات هسته‌ای به ریاست روحانی منطبق با رهیافت اول بود. خاتمی به‌عنوان رئیس دولت از همان اول اعلام کرد که محور عمده سیاست او در زمینه سیاست خارجی مدارا و گفت‌وگو بوده و تمام تلاش خود برای حذف عوامل تنش‌زا در روابط ایران با دیگر کشورها را به کار خواهد گرفت" (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۲).

۲-۲. سیاست خارجی و راهبرد هسته‌ای محمود احمدی‌نژاد

۲-۲-۱. متغیر مستقل (ساختار بین‌الملل)

دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد با دوره دوم ریاست جمهوری جرج بوش در آمریکا هم‌زمان بود. ساختار نظام بین‌المللی در این برهه زمانی متأثر از حوادث سپتامبر ۲۰۰۱ و تلاش دولت بوش برای ترسیم نظم نوین جهانی بود. سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بعد از فروپاشی شوروی با خلأ معنایی روبرو شده بود و وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر این فرصت را برای آمریکا به وجود آورد که از طریق بازتعریف نقش خود در ساختار بین‌المللی، سیاست خارجی خود را تعریف کند. ابتکار دولت بوش برای احیای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا دکترین نظم نوین جهانی بود. "نظم نوین جهانی عمیقاً متأثر از منطق سرمایه‌داری و ساختار ضروری آن یعنی سلطه و فرمان‌برداری بود. علاوه بر این، این نظم نوین جهانی متکی بر رهبری هژمونیک ایالات متحده آمریکا در شراکت با سایر کشورهای سرمایه‌داری قدرتمند، ترکیب پیچیده‌ای از دولت‌ها، سازمان‌های فرو دولتی و نیز سازمان‌های فوق دولتی بود" (Skinner, 2007: 2). نظم نوین جهانی تعریف شده به وسیله دولت بوش متضمن وجه امپریالیستی برای سیاست خارجی آمریکا بود. ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کرد از طریق بسط قدرت خود در مناطق مختلف سلطه خود را تداوم بخشد. این وجه امپریالیستی نظم نوین جهانی از طریق حمله آمریکا به عراق منطقه خاورمیانه و ایران را تحت تأثیر قرارداد.

حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه و تلاش آن برای حفظ هژمونی خود در این منطقه منجر تغییر در راهبردهای سیاسی کشورهای مختلف منطقه از جمله ایران شد. استراتژی کاربرد زور برای از بین بردن موانع تحقق نظم نوین جهانی در مورد عراق و افغانستان کاربرد داشت اما در مورد ایران از قدرت اجرایی برخوردار نبود. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر شکست سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در عراق و افول قدرت جهانی آمریکا بود. جنگ در عراق هزینه‌های مالی و نظامی متعددی برای ایالات متحده آمریکا به همراه داشت و باعث شد که ایالات متحده آمریکا نه تنها در عرصه نظامی بلکه در حوزه دیپلماسی نیز در برخورد با کشورهایی مثل ایران و کره شمالی

موقعیت برتر خود را از دست بدهد. این موضوع باعث تغییر در استراتژی ایالات متحده آمریکا در مورد ایران شد و این کشور استراتژی گسترش دموکراسی در ایران را در پیش گرفت. " حضور نیروهای دریایی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و نیز حضور سربازان این کشور در عراق و افغانستان (همسایگان غربی و شرقی ایران) این استدلال را به وجود می‌آورد که ایالات متحده آمریکا به صورت مؤثری ایران را از طریق نیروهای نظامی محاصره کرده است و می‌تواند اقدامات نظامی انجام دهد، اما این فرضیه داده‌های قابل قبولی را به همراه نداشت. اولویت سیاسی ایالات متحده آمریکا در مورد ایران گسترش دموکراسی بود که اوج آن در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ بود. ایالات متحده آمریکا تمایل به گسترش دموکراسی در ایران داشت که موازی با کاربردهای سیاست خارجی نئولیبرالی بود و فرضیه گسترش دموکراسی را تأیید می‌کرد" (Gordon, 2014: 60). بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد که دیدگاه‌های رادیکال‌تری نسبت به ایالات متحده آمریکا داشت دولت بوش تحت فشار برخی از اعضای کنگره طرح‌های جدیدی را برای گسترش دموکراسی در ایران به وجود آورد. محور یکی از این طرح‌ها در فوریه ۲۰۰۶ اعلام شد که در آن دولت بودجه ۷۵ میلیون دلاری را برای گسترش دموکراسی در ایران اختصاص داد. ابتکاری که از سوی ایران به‌عنوان طرحی برای تغییر رژیم در ایران تفسیر شد (Maloney, 2011).

۲-۲-۲. متغیرهای میانجی رئالیسم نئوکلاسیک و راهبرد هسته‌ای محمود احمدی‌نژاد

الف) متغیر ادراک فردی (محمود احمدی‌نژاد) به‌عنوان تصمیم‌گیرنده

جهانبینی و فضای فکری محمود احمدی‌نژاد متأثر از تفکر اصول‌گرایی بود. " اصول‌گرایان گروهی هستند که به‌صورت ویژه بر تفسیر خود از آرمان‌های انقلاب اسلامی تأکید می‌کنند و عقیده دارند که ماهیت دولت نیز متأثر از این آرمان‌ها است" (Smyth, 2006:7). استکبارستیزی، گسترش اصول انقلابی، حمایت از مسلمین، عدالت جهانی از جمله مفاهیمی بود که در جهانبینی و نگرش احمدی‌نژاد نسبت به نظم و ساختار بین‌المللی تأثیرگذار بودند. " احمدی‌نژاد به دنبال رها ساختن مسلمانان از یوغ استعمار امپریالیسم و سرمایه‌داری غرب بود. وی عقیده داشت که امروز بشر نیازمندی‌های متفاوتی دارد و اسلام این ظرفیت را دارد که بتواند به این نیازها پاسخ

دهد. در جهان وی، جهان نیازمند انقلاب اسلامی بود و عقیده داشت که از جنوبی‌ترین نقطه امریکا تا خاور دور نیازمند ایران بودند و ایران باید به نیازهای آن‌ها پاسخ می‌داد" (Rezaei, 2016: 122). اصول‌گرایان و احمدی‌نژاد دیدگاه مثبتی به غرب نداشتند. حس مشترک بین احمدی‌نژاد و اصول‌گرایان متأثر از جهان‌بینی خاصی است که متأثر از تجربیات مشترک و فهم یکسان از تحولات جهانی و داخلی است. در این جهان‌بینی دو موضوع نقش بساز پررنگی دارد الف) تجربه تاریخی، "ابتدایی‌ترین فرضیه این تجربه تاریخی این بود که غرب تجاوزکار است و تلاش دارد از طریق گسترش قدرت خود منافع ملت ایران را تحت تسلط خود درآورد. در این جهان‌بینی نوعی تهدید دائمی از طرف غرب احساس می‌شود و ایران همواره نیاز دارد حالت دفاعی خود را حفظ کند" (Warnaar, 2013: 83). ب) آرمان‌گرایی، اصول‌گرایان و احمدی‌نژاد عقیده داشتند که تبعیض در جامعه بین‌المللی خود بستر زایش کینه‌ورزی، جنگ و تروریسم است. جمهوری اسلامی ایران از آن جهت بر عدالت ورزی در صحنه بین‌المللی تأکید می‌کند که عدالت از حقوق برابر، توزیع صحیح منابع در قلمرو حاکمیت دولت‌ها، تساوی آحاد بشر در برابر قانون و احترام به قراردادهای بین‌المللی سخن می‌گوید. دولت با مبتنی ساختن پایه‌های رفتار سیاست خارجی بر حاکمیت معنوی و اصول اخلاقی و عادلانه در تمام مناسبات جهانی بر این باور است که عزت و کرامت تنها در سایه عدالت محقق می‌شود و عدالت و معنویت تنها پایه‌های ایجاد نظم و صلح پایدار در جهان محسوب می‌شوند" (عیوضی، ۱۳۸۷، ۲۱۶).

ب) متغیر ساختاری و قدرت داخلی

۱. قوه مجریه

روی کار آمدن احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ فصل جدیدی از مناسبات داخلی و خارجی را در سیستم سیاسی ایران به وجود آورد. از لحاظ سیاسی باروی کار آمدن احمدی‌نژاد سه تغییر عمده در ساختار سیاسی ایران شکل گرفت. اول اینکه قبل از روی کار آمدن احمدی‌نژاد سه جناح در رقابت بودند. اول محافظه‌کاران مذهبی، دوم محافظه‌کاران میانه‌رو (از جمله هاشمی رفسنجانی و حامیان وی) سوم اصلاح‌طلبان به رهبری محمد خاتمی. بعد از انتخاب احمدی‌نژاد محافظه‌کاران میانه‌رو و اصلاح‌طلبان متحد شدند. این

اتحاد موجب شد که آن‌ها در مقابل گروه دیگر یعنی محافظه‌کاران مذهبی و گروه جدیدی به نام اصول‌گرایان که رهبری آن‌ها را احمدی‌نژاد به عهده داشت قرار بگیرند. تغییر دوم، ورود چهره‌های جدید به دولت در قالب گروه‌های حافظ انقلاب اسلامی بود. بسیاری از این افراد در جنگ ایران و عراق جانباز شده بودند و بعد از جنگ از طریق تحصیلات وارد جرگه سیاسی شده بودند. ورود این افراد نوع نگرش دولت را در بسیاری از موارد از جمله تنش ایران با آمریکا و نیز تنش ایران و اسرائیل تحت تأثیر قرار می‌داد. سومین تغییر تلاش‌های احمدی‌نژاد برای تعریف سیستم سیاسی جدید بود. احمدی‌نژاد به دنبال پیاده کردن برنامه‌های پوپولیستی خود بود. وی به دنبال منصوب کردن افرادی بود که یا ناشناخته بودند یا از بروکراسی‌های دولتی کنار گذاشته شده بودند. وی در این زمینه حتی با مخالفت اصول‌گرایان نیز مواجه شد. (Kamrava, 2010: 403-408). این تغییرات در بدنه سیاسی قوه مجریه منجر به شکل‌گیری دولتی شد که مهم‌ترین هدف آن مبارزه با استکبار جهانی و دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. دولت احمدی‌نژاد بیش از رشد و توسعه اقتصادی به دنبال پیاده‌سازی نظم بین‌المللی آرمانی از طریق مقابله با قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا بود. عوامل اجرایی دولت احمدی‌نژاد متعلق به نسل دوم انقلاب اسلامی بودند که عمدتاً بر اهداف بلندمدت ایران تأکید داشتند. این افراد نه تنها بر مقابله تأکید داشتند بلکه در صورتی که این مقابله تنها راه برای تصدیق اهداف انقلابی بود از آن حمایت می‌کردند؛ بنابراین در این دوره سیاست خارجی ایران بسیار گسترده‌تر از سیاست داخلی بود. جالب اینکه در این دوره افکار عمومی ایران نیز از نقش فعال ایران در جهان حمایت می‌کردند و نگرش مثبتی به آن داشتند. (Chubin, 2007: 304).

۲. رهبری

ویژگی مهم رهبری انقلاب در زمینه سیاست خارجی و داخلی بسترسازی برای استقلال عمل سایر نهادها و درعین حال همراهی و هدایت آن‌ها در زمینه منطبق بودن سیاست‌های اتخاذی آن‌ها با اهداف انقلاب اسلامی و خواسته مردم است. در زمان روی کار آمدن احمدی‌نژاد و طرح سیاست خارجی مبتنی بر احقاق حقوق مستضعفین و مبارزه با استکبار جهانی رهبری انقلاب از این گفتمان استقبال کردند. ایشان در مراسم

تفید حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد فرمودند: " در زمینه سیاست بین‌الملل همچنان که دولت‌های قبلی اعلام کرده‌اند و بعداً هم همین‌طور خواهد بود، ملت ایران یک ملت صلح‌طلب است. ملت ایران سر ستیزه‌گری با هیچ ملتی را ندارد. ما به هیچ ملت و هیچ کشوری تعرض نکرده‌ایم، ما از حقوق خود قدرتمندانه دفاع کرده‌ایم و باز هم دفاع می‌کنیم." (واعظی دهنوی، ۱۳۹۰، ۱۵۰). ایشان همچنین عقیده داشتند " یکی از اساسی‌ترین راهکارها برای حفظ هویت اسلامی در سطح بین‌الملل استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام و بهر برداری از ثمرات مفید ناشی از اتحاد با دولت‌های اسلامی است. ایشان خاطرنشان می‌کردند که نقش اسلام را در دنیا هرچه می‌توانید پررنگ‌تر کنید." (شمسینی غیاثوند و نصیری، ۱۳۹۴، ۱۱). رهبری انقلاب عقیده داشتند که با همه تلاش‌هایی که در دولت قبل صورت گرفته است سیاست هسته‌ای ایران روند انفعال و عقب‌نشینی را تجربه کرده است و دولت احمدی‌نژاد باید تلاش کند این روند را اصلاح کند. ایشان عقیده داشتند که هدف جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی عزت، اقتدار معنوی و اقتدار ملی است. رهبری انقلاب یکی از نقاط قوت دولت احمدی‌نژاد را تأکید آن دولت بر عزت و اقتدار ایران و تلاش برای گسترش قدرت جهان اسلام در عرصه بین‌المللی می‌دانستند.

با این وجود انتخاب مجدد محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور و تلاش وی برای القای برتری قوه مجریه بر سایر نهادهای سیاسی کشور باعث شد که رهبری انقلاب تذکرات جدی را به رئیس‌جمهور گوش زد کنند. انجام برخی اقدامات یک‌جانبه از سوی احمدی‌نژاد در دوره دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد با پاسخ‌های قاطع مقام رهبری روبرو شد. " تلاش احمدی‌نژاد برای معاونت رئیس‌جمهوری مشایی و مخالفت رهبری، خانه‌نشینی ۱۱ روزه احمدی‌نژاد در جریان بازگشتن یا بازنگشتن وزیر اطلاعات" (Golkar, 2016)؛ و همچنین اقدام غیر دیپلماتیک احمدی‌نژاد در برکناری وزیر خارجه و به وجود آوردن نهاد موازی با دستگاه دیپلماسی در کشور و همچنین تضعیف جایگاه مجلس در کشور (Alfoneh, 2010). از جمله این اقدامات بود.

۳. مجلس شورای اسلامی

احمدی‌نژاد در دوره اول ریاست جمهوری خود حمایت مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان تأثیرگذار بر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشت. "مجلس هفتم در سال ۱۳۸۳ شروع به کارکرد. در این دوره از مجلس محافظه‌کاران اکثریت را در مجلس داشتند. این دوره از مجلس از انتخاب احمدی‌نژاد استقبال کرد. در این برهه سیاست ایران را انقلابیون عهده‌دار شدند و به نظر می‌رسید که ایران به‌روزهای باشکوه انقلاب بازگشته است" (Sohrabi, 2006: 3). با پیروزی اصول‌گرایان در دوره هفتم و هشتم انتخابات مجلس شورای اسلامی و با شکل‌گیری دولت نهم که به لحاظ ایدئولوژیکی، همراه و همسو با مجلس بود، موضع انفعالی مجلس در قبال سیاست هسته‌ای ایران به رویکرد فعال تبدیل شد و مجلس از طریق تقویت خود در زمینه قانون‌گذاری در موضوع برنامه هسته‌ای ایران از جمله قانون دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای صلح‌آمیز، قانون الزام دولت به تعلیق اقدامات داوطلبانه در صورت ارجاع و یا گزارش پرونده هسته‌ای به شورای امنیت، تصویب قانون الزام دولت به تجدیدنظر در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قانون صیانت از دستاوردهای صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و صدور بیانیه‌های مختلف از دولت حمایت کرد.

روابط خوب مجلس و قوه مجریه در دوره دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد با چالش‌های عدیده‌ای روبرو گردید. "تعداد آرای بسیار بالا (بیش از ۲۴ میلیون) برگ برنده احمدی‌نژاد در منازعات بعدی وی با مجلس بلکه با دیگر نهادهای سیاسی کشور بود. احمدی‌نژاد استدلال می‌کرد آنچه وی انجام می‌دهد خواسته مردم برای عقب راندن بسیاری از نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران از جمله مجلس، شورای نگهبان و سایر نهادها است" (Sohrabi, 2011:3). احمدی‌نژاد جمله امام خمینی (ره): "مجلس در رأس همه امور است را" بازتفسیر کرده و عقیده داشت که این جمله مربوط به زمانی است که در ایران، نظام مجلسی حاکم بود و اکنون که پست نخست‌وزیری حذف شده، قوه مجریه، قوه اول کشور است. (خبرگزاری تابناک، ۱۳۸۹).

۳-۲-۲. متغیر وابسته (سیاست خارجی و راهبرد هسته‌ای احمدی‌نژاد)

مطابق با تغییرات در ساختار داخلی، سیاست خارجی ایران در دوران احمدی‌نژاد دستخوش تغییر گردید. گفتمان فرهنگی محمد خاتمی جای خود را به اصول‌گرایی عدالت محور داد. " دال متعالی یا نقطه کانونی این گفتمان عدالت بود. به‌گونه‌ای که اصول و دقایق گفتمان اصول‌گرایی حول محور این مفهوم شکل می‌گیرد. اگرچه ظهور این گفتمان یک گسست گفتمانی در سیاست خارجی ایران نیست اما متمایز است، به‌ویژه رویکرد و رهیافت آن به نظم و نظام بین‌المللی. هژمونی نسبی اصول‌گرایی در سیاست خارجی ایران بیانگر بازگشت به گفتمان آرمان‌گرایی اوایل دهه ۶۰ بود" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). در کنار سیاست خارجی، راهبرد هسته‌ای ایران نیز در دوران محمود احمدی‌نژاد سمت و سوی متفاوت گرفت. اگر در زمان خاتمی حقوق هسته‌ای ایران و جلوگیری از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت خط قرمز دیپلماسی ایران بود در این دوره تنها بر حقوق هسته‌ای ایران تأکید شد و دیگر رفتن یا نرفتن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ملاک نبود. اگر دولت‌های قبلی بر کاهش تنش و گفت‌وگوهای انتقادی با غرب تمرکز داشتند دولت جدید با اتخاذ رویکرد عدالت محوری تنش‌زدایی با غرب را زیر سؤال برد.

دولت نهم خط‌مشی جدیدی را در خصوص برنامه هسته‌ای در پیش گرفت که مبتنی بر ۳ اصل بود. ۱- رویکرد به بازیگران جدید و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات از دست سه کشور اروپایی ۲- خارج کردن پرونده از راه‌های صرفاً سیاسی و قرار دادن آن در چارچوب‌های حقوقی و در دایره آژانس بین‌المللی بر اساس اسناد چهارگانه (معاهده NPT، اساسنامه آژانس، پادمان و پروتکل الحاقی) ۳- قاطعیت در حفظ چرخه سوخت هسته‌ای و ازسرگیری بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای که به‌صورت داوطلبانه در دوره اعتمادسازی به حالت تعلیق درآمده بود. (فلاحی، ۱۳۸۶: ۶۸). مهم‌ترین استراتژی دولت برای دستیابی به اهداف موردنظر خود افزایش بازیگران پرونده هسته‌ای ایران و استراتژی نگاه به شرق بود. در این دوران سیاست خارجی ایران تغییر قابل‌توجهی را در زمینه تغییر از نگرش تعامل با غرب به سمت ارتباط با سایر کشورها تجربه کرد. "این نوع نگرش که به‌طورکلی جهان سوم‌گرایی نامیده می‌شود زمینه‌های همکاری با غرب را

از بین برد. تعامل با کشورهای جهان سوم از جمله در آفریقا و آمریکای لاتین در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد طرح‌ریزی شد. (Arghvani Pirsalami, 2013: 92).

شکست در این سیاست باعث تهاجمی‌تر شدن استراتژی هسته‌ای احمدی‌نژاد شد. " در ۶ مارس ۲۰۰۶ موضوع پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح شد؛ و قطعنامه با ۲۷ رأی موافق، سه رأی مخالف (کوبا، سوریه، ونزوئلا) و ۵ رأی ممتنع (الجزایر، بلاروس، اندونزی، لیبی، آفریقای جنوبی) به تصویب رسید. ۱۶ عضو از جنبش کشورهای غیر متعهد در رأی‌گیری شرکت داشتند بنابراین نه‌تنها جنبش غیر متعهدها در حمایت از ایران ناکام بود بلکه هند، روسیه و چین که از مهم‌ترین اعضای بلوک شرق بودند از قطعنامه حمایت کرده و علیه ایران رأی دادند" (Mousavian, 2012: 227). بعد از تصویب این قطعنامه دولت نهم بسیاری از تعهدات خود که در نتیجه توافقات سعدآباد، پاریس و بروکسل به وجود آمده بود را شکست و عزم جدی خود را برای ازسرگیری غنی‌سازی اورانیوم اعلام کرد.

به‌کارگیری ادبیات جدید از جمله "ایران قدرت هسته‌ای است"، "ما می‌خواهیم به باشگاه کشورهای هسته‌ای وارد شویم" از جمله اصطلاحاتی بود که بعد از این دوره وارد راهبرد هسته‌ای ایران شد. تکرار چنین ادبیاتی در موضوع هسته‌ای ایران تلقین‌کننده انگیزه‌های نظامی ایران در مجامع بین‌المللی بود. تأکید دستگاه دیپلماسی ایران بر این موضوعات باعث شد که در طول زمان راهبرد هسته‌ای ایران حالت تهاجمی‌تری به خود بگیرد. دستگاه دیپلماسی احمدی‌نژاد از طریق این راهبرد دو هدف را پیگیری می‌کرد. " اولاً خرید زمان و عادت دادن ذائقه جامعه بین‌المللی به برنامه‌های هسته‌ای ایران درحالی‌که گزینه‌های هسته‌ای خود را شکل می‌داد. دوم برقرار کردن ارتباط نزدیک باکره شمالی، ایران از کره شمالی عبرت گرفته بود و تلاش داشت تا تضمین‌ها و حمایت‌های بین‌المللی را در مورد برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی به دست آورد. منطبق این اقدام این بود که مشروعیت بین‌المللی خود به‌عنوان امضاکننده NPT حفظ کند و درعین حال قادر باشد باج‌خواهی غرب را کنترل کرده و در صورت نیاز غنی‌سازی اورانیوم را در سطح نظامی بازآوری کند." (Bar and et all, 2008: 3-4).

راهبرد تهاجمی احمدی‌نژاد در مورد برنامه هسته‌ای ایران با واکنش طرف غربی روبرو شد. به‌منظور محدود کردن گسترش برنامه‌های هسته‌ای ایران طرف‌های غربی اقدام به تصویب تحریم‌های داخلی و بین‌المللی علیه ایران کردند. تصویب قانون حمایت آزادی در ایران در سال ۲۰۰۶ در کنگره آمریکا از اولین اقدامات در این زمینه بود. " بسته تحریمی این قانون شامل تحریم‌های نوع دوم علیه طرف ثالث بود. این قانون طرف‌های ثالث را مجبور به امضای لیست سیاه آمریکا در مورد بانک‌های ایران می‌کرد. همچنین آن‌ها باید از انتقال هرگونه اطلاعات در مورد فناوری سلاح‌های کشتارجمعی به ایران خودداری می‌کردند. هرگونه کمک‌های مالی و تجاری، فناورانه به اشخاص و شرکت‌های ایران با مجازات روبرو می‌شد" (Borszik, 2014: 8).

در همین سال نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد اولین قطعنامه در مورد تحریم ایران را تحت عنوان قطعنامه ۱۳۷۳ را به تصویب رساند. این قطعنامه پیاده‌سازی تحریم‌های بین‌المللی را مشروع می‌دانست و از کشورهای عضو سازمان ملل درخواست می‌کرد تا از هرگونه کمک به غنی‌سازی هسته‌ای ایران خودداری کنند. تکرار نگرانی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد گسترش برنامه‌های هسته‌ای ایران منجر به صدور قطعنامه‌های دیگر از جمله قطعنامه ۱۷۴۷ در ۲۰۰۷ و قطعنامه ۱۸۰۳ در ۲۰۰۸ شد.

واکنش ایران نسبت به این تحریم‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت تهاجمی بود. به‌عنوان مثال " محمد خزایی، نماینده ایران در سازمان ملل بیان کرد که ایالات متحده آمریکا و متحدان آن هرگز نمی‌توانند عزم ایران را بشکنند. احمدی‌نژاد نیز اثرات تحریم‌ها را رد کرده و آن‌ها را به‌عنوان مگس‌های مزاحم توصیف کرد. وی عقیده داشت که این تحریم‌های می‌توانند به توسعه اقتصادی ایران کمک کنند. علاءالدین بروجردی رئیس کمیته امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز عقیده داشت که مجلس باید در روابط خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازنگری کند. ایران باید بازرسی آژانس از ایران را متوقف کند" (Smith, 2011: 15).

۲-۳. سیاست خارجی و راهبرد هسته‌ای حسن روحانی

۲-۳-۱. متغیر مستقل (ساختار بین‌الملل)

از سال ۲۰۱۰ به بعد مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر ساختاریابی و رفتار بازیگران از جمله ایران در داخل سیستم بین‌المللی تحولات جهان عرب در قالب عناوینی چون بهار عربی، بیداری اسلامی، گذار دموکراتیک، بوده است. همچون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حوادث ۱۱ سپتامبر، وقوع تحولات جهان عرب تأثیر بسزایی بر ساختاریابی نظام بین‌الملل و نظم منطقه‌ای داشت. شروع و گسترش تحولات منطقه خاورمیانه نظم منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجب ترکیب‌بندی جدید تعاملات بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای شد.^۱ با جدی‌تر شدن تحولات منطقه خاورمیانه، بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به دنبال کاستن از تهدیدات و افزایش نفوذ خود بودند. ترکیه و کشورهای غربی به دنبال افزایش نقش خود در رهبری تحولات منطقه بودند. از طرف دیگر ایران، روسیه، چین و حتی عربستان سعودی، سیاست کاستن از تهدیدات و افزایش امنیت را پیگیری می‌کردند. در این شرایط توازن قوای منطقه‌ای دربرگیرنده دو گروه از بازیگران بود. ۱+۴ منطقه‌ای، شامل چهار بازیگر منطقه‌ای فعال، ایران، ترکیه، عربستان سعودی، مصر به‌اضافه اسرائیل به‌عنوان بازیگر پشت‌صحنه که این کشورها اهداف و سیاست‌های خود را از طریق مخالفت یا موافقت با ایالات‌متحده آمریکا دنبال می‌کردند و گروه کشورهای فرا منطقه‌ای شامل روسیه و ایالات‌متحده آمریکا^۲ (Barzegar, 2012). عامل دیگری که بازیگری ایران در عرصه بین‌المللی را در این دوران تحت تأثیر قرار می‌داد وجود فشارهای بین‌المللی علیه ایران از طریق مکانیسم‌های بین‌المللی از جمله تحریم‌های اقتصادی بود.^۳ بررسی تأثیر نظام بین‌الملل بر شکل‌گیری سیاست خارجی دولت یازدهم حاکی از آن است که مجموعه غرب در سال‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در ایران با بهره‌گیری از انواع فشارها به‌ویژه تحریم‌های بین‌المللی فراگیر تلاش کردند تا سیاست خارجی کشور را در حالت تدافعی قرار دهند و سیاست خارجی به مهم‌ترین دستور کار انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ تبدیل شود. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را باید یکی از ابزارهای دیپلماسی اجبار ایالات‌متحده آمریکا برای متقاعدسازی کشورهای دانست که به اقتصاد جهانی

وابسته شده‌اند اما تمایلی به پذیرش قواعد مربوط به اقتصاد و سیاست جهانی ندارند". (نیاکویی، زمانی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). گسترش پیامدهای منطقه‌ای تحولات جهان عرب به‌ویژه تحولات سوریه و همچنین محدودیت‌هایی که ایران در عرصه بین‌المللی داشت باعث گردید که دولت یازدهم سیاست خارجی خود را بر مبنای تعامل و تفاهم بین‌المللی قرار دهد.

۲-۳-۲. متغیرهای میانجی رئالیسم نئوکلاسیک و راهبرد هسته‌ای حسن روحانی

الف) متغیر ادراک فردی (حسن روحانی) به‌عنوان تصمیم‌گیرنده

حسن روحانی از جمله شخصیت‌های سیاسی است که پیش و پس از انقلاب اسلامی در ساختار سیاسی کشور فعالیت کرده است. وی هم از تحصیلات حوزوی برخوردار بوده و هم فضای دانشگاه را تجربه کرده است. سابقه فعالیت‌های سیاسی و علمی وی باعث شده است که وی به‌عنوان فردی میانه‌رو شناخته شود که توانایی کار کردن با اندیشه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی را دارد." حسن روحانی در ساختار سیاسی ایران مسئولیت‌های متفاوتی را تجربه کرده است. مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران، دبیری شورای عالی امنیت ملی، نمایندگی مجلس، فعالیت در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله این مسئولیت‌ها بوده است. باین‌وجود تصویری که از روحانی وجود دارد بیانگر این است که روحانی یک سیاستمدار انقلابی ایدئولوگ و یک فرد دانشگاهی است که مهم‌ترین نگرانی آن چگونگی مطابقت دادن هویت خود به‌عنوان مسلمان و نماینده یک حکومت دینی با چالش‌های توسعه اقتصادی، مدرنیته و فرایند جهانی‌شدن است. در برخورد با جامعه جهانی، روحانی تلاش می‌کند تعادل را حفظ کند. از یک طرف استقلال، قدرت و ارزش‌های سیستم سیاسی ایران را که تعریف‌کننده هویت فردی خود روحانی نیز هست را حفظ کند. از سوی دیگر توسعه سیاسی را شکل داده و با جامعه جهانی وارد تعامل شود" (Ditto, 2013: 2).

روحانی خود را متعلق به هیچ‌یک از جناح‌های سیاسی ندانسته و خود را فراجناحی می‌داند. "ریشه‌های تفکرات سیاسی حسن روحانی ریشه در محافظه‌کاران (از جمله جامعه روحانیت مبارز) دارد. باین‌وجود خود جناح محافظه‌کار به میانه‌روها و تندروها تقسیم می‌شود. تندروها هیچ اعتقادی به همکاری با اصلاح‌طلبان ندارند و آن‌ها را

به‌عنوان و عوامل ضدانقلاب می‌دانند. در مقابل محافظه‌کاران سنتی از جمله هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی قائل به همکاری با هرکدام از جناح‌های سیاسی در کشور هستند. به همین دلیل بود که حسن روحانی همکاری سازنده‌ای با دولت خاتمی در بحث موضوع هسته‌ای ایران داشت" (Faghihi, 2016).

حسن روحانی به دولت توسعه‌گرا اعتقاد دارد. دولتی که از طریق توسعه روابط سازنده با جهان به دنبال توسعه سیاسی و اقتصادی است. ادراک حسن روحانی از شرایط جهانی به‌گونه‌ای است که وی همکاری در عرصه جهانی را باوجود تمام مشکلات پیش رو امکان‌پذیر می‌داند. جهانی بینی و برداشت حسن روحانی بیشتر از آرمان‌گرایی مبتنی بر واقع‌گرایی است. روحانی عقیده دارد که نگرشی که ما به جهان و موضوعات آن داریم اعتدال است. وی عقیده دارد "اعتدال به معنای تسلیم، مماشات، انفعال و یا تقابل نیست. باین‌وجود حل مسائل از طریق انزوا میسر نیست. رویکرد ما تعامل سازنده است. ما به دنبال اعتمادسازی، شفافیت سازی هستیم. تأکید ما بر همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری چندجانبه است" (Rasouli Saniabadi, 2015: 56).

ب) متغیر ساختاری و قدرت داخلی

۱. قوه مجریه

فشارهای ناشی از پرونده هسته‌ای ایران وجدی‌تر شدن تحولات خاورمیانه به‌ویژه بحران داخلی سوریه نیازمند روی کار آمدن دولتی در ایران بود که از طریق مدیریت تحولات داخلی و خارجی بتواند ثبات و مشروعیت را در ساختار سیاسی ایران حفظ کند. حسن روحانی با طرح گفتمان اعتدال‌گرایی وارد عرصه سیاسی کشور شد. فیروزآبادی عقیده دارد که اعتدال به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. "در معنی سلبی نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد می‌باشد و در معنی ایجابی ایجاد توازن و تعادل است که از طریق توازن بین آرمان‌ها و واقعیت، آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، توازن بین انواع عقلانیت، توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی، توازن بین اهداف سیاسی و خارجی، توازن بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت ایجاد می‌شود." (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ۲۹).

گفتمان سیاسی دولت روحانی ترکیبی از اصول سیاسی دولت‌های هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی بود. " از جمله این اصول می‌توان به مدرن سازی اسلامی، گفت‌وگوی فرهنگی، توسعه اجتماعی و آزادسازی اقتصادی اشاره کرد. روحانی تلاش داشت تا جامعه ایران را به سمت پروژه ابتکاری که به وسیله هاشمی رفسنجانی شروع و در دوره محمد خاتمی تداوم یافته بود هدایت کند. هدف از این کار تغییر جامعه انقلابی به جامعه مدنی بود. این اصول و بسیاری از اصول دیگر این گفتمان با به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد به شدت ضربه خورده بود. احمدی‌نژاد عقیده داشت که از طریق این گفتمان انقلابی اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شده است " (Al-samadi, 2013:6).

هر دو دولت سازندگی و اصلاحات توسعه‌گرا بودند و هر دو کم‌وبیش این توسعه‌گرایی را در چارچوب مکتب نوسازی یا مدرنیزاسیون تعریف می‌کردند " در دوره هاشمی رفسنجانی این توسعه‌گرایی مبتنی بر اقتصاد بود و در دوره محمد خاتمی اولویت‌های سیاسی موضوعیت یافت. دولت روحانی نیز توسعه‌گرا بود به این معنا که توسعه و توسعه‌گرایی محور کانون و دغدغه‌های رئیس‌جمهور و مانند دولت‌های قبلی در صورت تزامن بین توسعه‌گرایی و سایر مقولات اولویت و ترجیح با توسعه است. روحانی عقیده داشت که خیلی مهم است تا راهنمای ما در همه کارها توسعه باشد " (امینی، ۱۳۹۲، ۴). عمل‌گرایی، شناخت نیروهای جامعه مدنی، نیروهای بازار و جهانی‌شدن از میراث‌های دولت خاتمی برای روحانی بود. همانند دولت خاتمی، دولت روحانی تلاش داشت تا از طریق اصلاحات داخلی پروژه عادی‌سازی روابط با غرب را که از زمان خاتمی شروع شده و در دوران احمدی‌نژاد با بحران مواجه شده بود را دنبال کند. " با پیروزی روحانی، بخش جدیدی از روند عادی‌سازی روابط شروع شد و این بیانگر ویژگی‌های ضروری روح تغییر بود " (Tazmini, 2013:38).

۲. رهبری

ماهیت دولت روحانی دولت توسعه‌گرا بود. روحانی تلاش داشت از طریق بهبود روابط با جهان و همچنین کاستن از فشارهای بین‌المللی علیه ایران انزوای اقتصادی ایران را تعدیل کند. هیئت دولت در شهریور ۱۳۹۲ به مناسبت هفته دولت با مقام معظم رهبری دیدار کردند. " حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار با قدردانی

از هماهنگی دولت و مجلس برای آغاز به کار سریع دولت، آقای روحانی را رئیس‌جمهوری مطلوب، مورد اعتماد و دارای سوابق روشن انقلابی خواندند و با تبیین شاخص‌های مهم دولت مطلوب، از جمله سلامت اعتقادی و اخلاقی، خدمت به مردم، عدالت، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد، قانون‌گرایی، حکمت، خردگرایی و تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور تأکید کردند: اقتصاد و علم را در اولویت قرار دهید و با مهار تورم، تأمین نیازهای اساسی مردم، رونق تولید و ایجاد تحرک و آرامش در عرصه اقتصادی، امید مردم به آینده را استمرار و افزایش دهید" (خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۳). رهبری انقلاب ضمن حمایت از دولت برای بهبود شرایط اقتصادی و رفع تحریم‌های بین‌المللی تأکید داشتند که تغییر در سیاست خارجی امکان‌پذیر است اما باید همیشه نرمش قهرمانانه را نیز مدنظر داشت. رهبر انقلاب در دیدار خود با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره استفاده از تاکتیک نرمش در سیاست خارجی و داخلی گفتند: "ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش نرمش قهرمانانه اسم‌گذاری شد؛ نرمش در یکجاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یکجاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است"

۳. مجلس شورای اسلامی

علیرغم مخالفت مجلس نهم با برخی از وزرای پیشنهادی دولت روحانی برای تصدی وزارت در کابینه روحانی باکلیت نگرش دولت در جهت کاستن از فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل و پیگیری سیاست خارجی متعادل‌تر در قابل موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی موافقت داشت. "علیرغم اختلافات بین مجلس و قوه مجریه در مجموعه‌ای از موضوعات مجلس چندان نمی‌توانست علیه قوه مجریه اقدام کند. اولاً روحانی از حمایت مقام رهبری برخوردار بود، مقام معظم رهبری مردم را به حمایت از دولت جدید دعوت کرد با این وجود ایشان تصریح کردند که مخالفتی با انتقاد از عملکرد دولت ندارند. دوم روحانی از حمایت رهبران اصلاح‌طلبی همچون هاشمی رفسنجانی و محمد

خاتمی برخوردار بود سوم، با توجه به تحریم‌های اقتصادی، کشور از نابسامانی و تورم رنج می‌برد بنابراین محافظه‌کاران اجازه دادند تا فرصت برای عادی‌سازی روابط با غرب و کشورهای همسایه فراهم شود" (Alam Rizvi, 2014: 3i). مجلس نهم نقش مهمی را در مشروع سازی توافق دولت روحانی با کشورهای ۵+۱ در زمینه توافق هسته‌ای داشت. به دنبال دستیابی به توافق و همچنین در ماه‌های پیش از آن، دولت و مسئولان دولتی بارها از عدم لزوم تصویب برجام یا توافق هسته‌ای در مجلس گفته بودند و بر آن تأکید داشتند اما رهبر معظم انقلاب در بیاناتی عنوان کردند که مصلحت نیست مجلس از موضوع برجام کنار گذاشته شود. " رئیس مجلس در روز یکشنبه ۲۱ مهرماه که در آن روز کلیات طرح اقدام متقابل دولت در اجرای برجام به رأی گذاشته شد، دفاع جانانه‌ای از طرح داشت به طوری که برخی نسبت به مدیریت مجلس توسط لاریجانی اعتراض داشتند. در روز تصویب برجام نیز لاریجانی از برجام حمایت کرد و تصویب جزئیات برجام تنها ۱۵ دقیقه از وقت مجلس را گرفت. این در حالی بود که بیش از ۲۰۰ پیشنهاد مطرح شده بود که می‌بایست مورد بحث قرار می‌گرفتند.

انتخابات مجلس دهم در سال ۱۳۹۴ فرصت‌های بیشتری را برای دولت به وجود آورد تا سیاست خارجی میانه‌رو خود را دنبال کند. " شروع به کار مجلس دهم این فرصت را برای دولت حسن روحانی به وجود آورد تا شعارهای سیاسی و اقتصادی را که در انتخابات سال ۱۳۹۲ اعلان کرده بود را پیگیری کند. انتخابات مجلس دهم همچنین فرصت مناسبی برای حمایت عمومی از ابتکار دولت در زمینه پرونده هسته‌ای (برجام) بود. در این انتخابات اصلاح‌طلبان توانستند اکثریت را به دست آورند. اگرچه این به معنای پیروزی نهایی اصلاح‌طلبان نبود اما این فرضیه وجود داشت که در صورت پیروزی محافظه‌کاران در انتخابات بسیاری از برنامه‌های آزادسازی اقتصادی و همچنین سیاست خارجی متعادل روحانی با چالش روبرو می‌شد. مجلس با ثبات دولت روحانی را قادر می‌ساخت تا به سمت اصلاحات تدریجی حرکت کند. با این وجود دولت روحانی برای موفقیت هر نوع اصلاحی نیاز داشت ائتلاف را در بین اصلاح‌طلبان و نمایندگان مستقل به وجود آورد" (Chatman House Report, 2016: 3).

۳-۳-۲. متغیر وابسته (سیاست خارجی و راهبرد هسته‌ای روحانی)

در زمان روی کار آمدن دولت یازدهم ایران با رکود اقتصادی مواجه بود. بر اساس گزارش بانک مرکزی رکود حاکم بر اقتصاد کشور برحسب تقدم زمانی عوامل و نه لزوماً شدت اثرگذاری ناشی از عوامل زیر بود: اول، نا اطمینانی‌هایی که در چند سال گذشته به مناسبت‌های گوناگون و در سطوح مختلف سیاست‌گذاری ایجاد و تشدید گردیده و موجب خروج بخشی از سرمایه‌های بخش خصوصی از فعالیت‌های مولد شده بود. دوم، آثار قابل‌انتظار اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی از زمستان سال ۱۳۸۹، سوم، تشدید تحریم‌های تجاری و مالی در دو سال بعد که مبادلات مالی و تجاری کشور با دنیای خارج را بسیار سخت و پرهزینه کرده بود " (گزارش بانک مرکزی، ۱۳۹۲، ۱). کاهش قیمت نفت و همچنین تحریم‌های بانکی به‌ویژه در سال ۹۱ دولت روحانی را به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی باهدف خارج کردن اقتصاد ایران از رکود ترغیب می‌کرد. " در سال ۱۳۹۱ دولت ایالات متحده آمریکا از کشورهای خریدار نفت ایران خواست که میزان نفت خرید خود از ایران را کاهش دهند. صادرات نفت ایران از ۲/۳ میلیون بشکه در روز به ۱ میلیون بشکه کاهش یافت. همچنین در سال ۱۳۹۱ و اوایل ۱۳۹۲ به دلیل دسترسی محدود ایران به سیستم‌های مالی بین‌المللی از جمله سوئیفت^۱، در لیست سیاه قرار گرفتن بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران (خودرو، پتروشیمی، مدیریت بنادر، حمل‌ونقل و کشتی‌سازی) اقتصاد ایران با رکود، رشد تورم و کاهش ارزش پولی مواجه گردید. (Hsieh and et all, 2015: 1-2).

متعاقب این تحولات، سیاست خارجی و راهبرد هسته‌ای ایران حالت تهاجمی خود در دولت قبل را از دست داد. عمده‌ترین تلاش دولت روحانی، تنش‌زدایی با غرب و نیز بازیگران منطقه‌ای بود. روحانی می‌دانست که حل مسئله هسته‌ای ایران برای تقویت اقتصاد ایران و پایان دادن به انزوای بین‌المللی ایران حیاتی است. این بدان معنی نیست که روحانی و دولت او از برنامه‌های هسته‌ای ایران حمایت نمی‌کردند بلکه آن‌ها عقیده داشتند که موضوع برنامه هسته‌ای ایران ابزاری در دست مخالفان برای تحمیل فشار، تحریم و انزوا علیه ایران است. دولت روحانی عقیده داشت که می‌توان به تعهدات

¹ SWIFT (Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication)

قابل اجرا رسید که هم حق هسته‌ای ایران حفظ شود و هم اینکه ایران بتواند موانع بازیگری خود را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی از بین ببرد. اگر ایران قادر می‌شد تا امتیازاتی را در زمینه رفع تحریم‌ها به دست آورد می‌توانست پتانسیل و قدرت نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی تقویت کند.

" حل و فصل موفقیت‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران به این معنی نبود که نفوذ ایران در منطقه به سرعت افزایش می‌یافت. این موضوع زمان‌بر بود تا اقتصاد ایران به ثبات حداقلی برسد. تهران هنوز با چالش‌های عمده‌ای در سوریه و عراق روبرو بود؛ اما از طریق حل و فصل موضوع هسته‌ای می‌توانست نقش بهتری را در بازی فرسایشی با مخالفان خود انجام دهد. از یک طرف ایران می‌توانست از گروه‌های نیابتی و دوستان قدیمی خود در موضوعات منطقه‌ای استفاده کند و از این ابزار می‌توانست به عنوان اهرمی برای حفظ منافع خود استفاده کند از طرف دیگر در صورتی که تحریم‌ها به تدریج از بین می‌رفت ایران قادر بود به صورت بهتری از این گروه‌ها حمایت کند" (Shanahan, 2015: 4).

برای دستیابی به این اهداف، مؤلفه‌های جدیدی در راهبرد هسته‌ای دولت یازدهم ایجاد شد. انجام اقداماتی در زمینه حفظ حق غنی‌سازی، تحقیق و توسعه غنی‌سازی، فراهم کردن زمینه‌های طراحی و باز ساخت راکتورهای تحقیقاتی جدید در اراک و همچنین شفافیت در برنامه هسته‌ای ایران و نیز انجام اقدامات اعتماد ساز از جمله مؤلفه‌هایی بود که در زمینه هسته‌ای وارد راهبرد هسته‌ای دولت یازدهم گردید. بخش دیگری از تلاش‌های دولت یازدهم در زمینه راهبرد هسته‌ای جدید متوجه خارج کردن پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. دولت روحانی تلاش داشت از طریق رسیدن به یک دیدگاه مشترک در زمینه پرونده هسته‌ای ایران، شورای امنیت را از اتخاذ تصمیم‌ها و قطعنامه‌های جدید در زمینه موضوع هسته ایران بازدارد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که رفع یا تعلیق تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی یک‌جانبه و چندجانبه تحمیل شده از سوی غرب بخش انکارناپذیری از راهبرد هسته‌ای دولت یازدهم بود.

در توضیح اینکه چرا دولت روحانی نگرش مثبتی به مذاکره با غرب در موضوع هسته‌ای داشت می‌توان به دو دلیل اشاره کرد. " اول اینکه چندین سال طول می‌کشید تا

تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا برداشته شود بنابراین روند این مذاکرات به ایران اجازه می‌داد تا در بازارهای جهانی به خرید و فروش تولیدات خود بپردازد، بازاری که در مقایسه با بازارهای فعلی در دسترس ایران بسیار بزرگ‌تر بود. همچنین موفقیت در این زمینه می‌توانست در سیاست‌های داخلی روحانی از جمله در بحث اصلاح ساختاری و آزادسازی بیشتر مؤثر باشد. ثانیاً موضوع هسته‌ای به خودی خود به چند دلیل پیچیده بود. اول اینکه تلاش‌های شکست‌خورده قبلی و روایت‌های آن‌ها از همدیگر برداشت‌های نادرستی را شکل داده بود که نیاز بود رفع شود. دوم، برنامه جامع اقدام مشترک که در سال ۲۰۱۳ به امضا رسید زمینه‌ای برای به وجود آوردن اطمینان حداقلی طرف‌های مذاکره از همدیگر بود" (Parsi, 2014: 5).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین هدف این مقاله بررسی راهبرد هسته‌ای ایران در طول ۱۴ سال گذشته، به عبارتی دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ بود. این مقاله تلاش کرد به این سؤال پاسخ دهد که چرا در طول سال‌های مورد بررسی راهبرد هسته‌ای ایران پر نوسان بوده و هرکدام از دولت‌ها راه‌کارهای متفاوتی را برای پاسخ‌گویی به چالش‌های ایجاد شده از طریق پرونده هسته‌ای اتخاذ کردند. با استناد به رویکرد رئالیسم نئوکلاسیک مقاله استدلال کرد که نوسان و تغییر در راهبردهای هسته‌ای ایران را می‌توان ناشی تأثیرگذاری سه متغیر، نظام بین‌الملل، ادراک و برداشت تصمیم‌گیرندگان، ساختار و قدرت داخلی دانست. میزان اثرگذاری هر یک از این متغیرها در طول دوره زمانی مورد بررسی متفاوت بوده و با توجه به این موضوع راهبرد هسته‌ای ایران نوسان و افت‌وخیز را تجربه کرده است. مزیت رویکرد رئالیسم نئوکلاسیک در این است که تغییر یا ثبات در سیاست خارجی و یا رویکردهای اتخاذی دولت‌ها را به تحولات نظام بین‌المللی محدود نکرده و از طریق توجه به متغیرهای داخلی، چارچوب قابل قبولی را برای درک تغییر و تحول در عرصه سیاست خارجی فراهم می‌کند.

دوره مورد بررسی مقاله حاضر مشتمل بر ارزیابی راهبردهای اتخاذی سه دولت متفاوت، یعنی محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که در طول دوره مورد بررسی عامل نظام بین‌الملل در تضاد با برنامه هسته‌ای ایران

بوده است. به عبارت دیگر بسیاری از بازیگران اصلی نظام بین‌الملل از طریق معرفی برنامه هسته‌ای ایران به عنوانی موضوعی که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، تلاش می‌کردند از طریق به‌کارگیری قطعنامه‌ها و تحریم‌های بین‌المللی از پیشرفت اهداف هسته‌ای ایران جلوگیری کنند. تحولات منطقه‌ای از جمله، حمله ایالات متحده آمریکا به عراق و افغانستان، شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای، شروع بهار عربی و امثالهم در شدت تأثیرگذاری متغیر نظام بین‌الملل بر نوع راهبردهای هسته‌ای اتخاذی از سوی ایران تأثیرگذار بود؛ بنابراین ماهیت متغیر نظام بین‌الملل در راهبردهای اتخاذی سه دولت فوق‌الذکر مشترک بوده است. یافته‌های مقاله همچنین نشان داد که تأثیر متغیر ساختار و قدرت داخلی (نقش‌آفرینی نهادهایی مانند قوه مجریه، رهبری، قوه مقننه) در هر یک از دولت‌های مذکور نوسان داشته است. هریک از دولت‌ها ضمن برخورداری از حمایت ساختارها و قدرت‌های داخلی در برهه‌های زمانی مختلف با مخالفت و محدودیت‌های ایجادشده به‌وسیله این ساختارها روبرو بوده‌اند. بدنه قوه مجریه، نوع آرایش نمایندگان مجلس، نگرش مقام رهبری، افکار عمومی و... بر میزان حمایت و یا عدم‌حمایت ساختارهای داخلی از راهبردهای هسته‌ای اتخاذشده از سوی سه دولت فوق‌الذکر تأثیرگذار بودند. نکته حائز اهمیت دریافته‌های پژوهش تفاوت معنی‌دار بین ادراک و برداشت تصمیم‌گیرندگان در طول دوره موردبررسی است. بررسی ویژگی‌ها و خصائص روسای جمهور در طول دوره موردبررسی نشان داد که نوع جهان‌بینی و درک از شرایط داخلی و بین‌المللی تأثیر به‌سزایی در تغییر و تحول راهبرد هسته‌ای ایران داشته است. محمد خاتمی و حسن روحانی با توجه به نوع جهان‌بینی و برداشتی که از غرب داشتند نگرش مثبتی به‌نظام بین‌الملل و کشورهای غربی داشتند و بنابراین راه تعامل را در راهبرد هسته‌ای در پیش گرفتند، درحالی‌که محمود احمدی‌نژاد به دلیل نگرش منفی به غرب راه تقابل با نظام بین‌الملل را در راهبرد هسته‌ای خود دنبال نمود.

منابع

- بعیدی نژاد، حمید، ۱۳۸۴، "سیاست هسته‌ای آقای خاتمی"، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال نوزدهم، بهار، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۹۲، "گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **همایش ملی تبیین مفهوم اعتدال**، انجمن علوم سیاسی ایران و مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ایران، صص. ۲۸-۳۵.
- سلطانی نژاد، احمد، گودرزی، سهیل، نجفی، مصطفی، ۱۳۹۴، "توافق وین، تداوم یا تغییر در دیپلماسی هسته‌ای؟"، **پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل**، دوره ۸، شماره ۳۱، صص. ۲۰۳-۱۷۶.
- شمسینی غیاث‌وند، حسن، نصیری، رضا، ۱۳۹۴، "رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر روش مذاکره و مفهوم نرمش قهرمانانه"، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۵، شماره ۱، صفحات ۲۲-۳.
- رضایی، علیرضا، ترابی، قاسم، ۱۳۹۲، "سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا"، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۵، صص. ۱۶۱-۱۳۲.
- عیوضی، محمد رحیم، ۱۳۸۷، "تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد"، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۱۴، صفحات ۲۳۰-۲۱۰.
- خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان، (۱۳۹۳)، "**فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با دولت یازدهم در سال ۹۲**"، قابل دسترسی در سایت: <http://www.yjc.ir/fa/news/4779181>، بارگذاری شده در تاریخ ۳ فروردین ۹۳، آخرین بازدید، ۲۴ دی ۱۳۹۵.
- خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۱، (۱۳۹۲)، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.
- طباطبایی، سید محمد، توپچی، میلاد، ۱۳۹۴، "مقایسه سیاست‌های هسته‌ای ایران در دوران اصلاحات و اصولگرایی"، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۳، صص. ۱۴۶-۱۲۰.
- احمدی‌نژاد: مجلس در رأس امور نیست "خبرگزاری تابناک، قابل دسترسی در: <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=120555>، کد خبر: ۱۲۰۵۵۵، بارگذاری شده در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۸۹، آخرین بازدید: ۲۲ دی ما ۱۳۹۵.
- واعظی دهنوی، عباس، ۱۳۹۰، "مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری"، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، دوره ۳، شماره ۱، صفحه ۱۶۹-۱۴۱.

نیاکویی، سید امیر، زمانی، محسن، ۱۳۹۵، "تبیین دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم با بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری روزنا"، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۲۱۷-۱۸۱. "نرمش قهرمانانه" به معنای ارتقای دیپلماسی است، گفت‌وگو با دکتر محمد جواد لاریجانی، قابل دسترسی در سایت <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=24039>، تاریخ بارگذاری، ۱۳۹۲/۶/۲۷.

آخرین بازدید، ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

بررسی کارنامه سه ساله دولت و مجلس، مجلس نهم و دولت یازدهم، تعامل یا تقابل، قابل دسترسی در، تاریخ بارگذاری، ۱۳۹۴/۱۱/۲۶، آخرین بازدید <http://www.farhangnews.ir/content/177897>، ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

Alam Rizvi, M, 2014, "Iran under Rouhani: From Confrontation to Reconciliation", issue brief, Institute for Defence Studies & Analyses IDSA, New Delhi, India, pp. 1-8.

Al-Smadi, F, 2013, "Tough choices for Rouhani following Khatami and Rafsanjani's Paths, **Al Jazeera Center for Studies**, Report, No. 4, pp. 1-7.

Alfoneh, A, 2010, "Ahmadinejad, Khamenei, and Iran's Power Struggle", available at: <http://www.aei.org/publication/ahmadinejad-khamenei-and-irans-power-truggle/>, upload on December 15, 2010, , last visited: January 11, 2017

Altoraiifi, A, 2012, "Understanding the role of state identity in foreign policy decision-making", **PH.D Thesis**, Department of International Relations, The London School of Economics and Political Science, London.

Ambe-Uva, T,N, Adegboyega, K, M, 2007, "The Impact of Domestic Factors on Foreign Policy: Nigerian/Israeli Relations", **Alternatives: Turkish Journal of International Relations**, Vol. 6, No.3&4, pp. 44-59.

Arghavani pirsalami, F, 2013, "Third worldism and Ahmadinejad foreign policy", **Iranian review of foreign affairs**, Vol.4, No.2, pp. 81-109

ALDosari, N, 2015, "Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad There is One Foreign Policy in Iran, which is Khamenei's Foreign Policy", **World Journal of Social Science Research**, Vol. 2, No. 1, PP.47-71

Bar, SH, Mach tiger, R. Bachar, SH, 2008, "Iranian Nuclear Decision Making under Ahmadinejad, **The eight herzliya conference**, January 20-23. Pp.1-36

Barzegar, K, 2012, "The Arab Spring and the Balance of Power in the Middle East", available at: <http://powerandpolicy.com/the-arab-spring-and-the-balance-of-power-in-the-middle-east-power-policy/#.WIO5kX3d7IU>, upload on, October 30, 2012, last visited: January 12, 2017.

Borszik, O, 2014, "International Sanctions against Iran under President Ahmadinejad: Explaining Regime Persistence", German Institute of Global and Area Studies **GIGA Working Papers**, No. 2, pp. 1-25.

Chatman house, 2016, "Iran's Politics and Foreign Policy, Middle East and North Africa Program, Workshop Summary, pp. 1-11.

- Chubin, SH, 2007, "Iran : domestic politics and nuclear choices" Domestic Political Change and Grand Strategy , edit by Ashley J. Tellis and Michael Wills, the national bureau of asian research , Washington DC.
- Dehghani Firoozabadi, J, Zare Ashkezari, M, 2016, "Neo-classical Realism in International Relations", **Asian Social Science**; Vol. 12, No. 6, PP. 95-99.
- Dersan, D, 2012, " Response to the international challenge : A neoclassical realist analysis of Syrian foreign policy, 1990-2005" , **PH.D Thesis**, Department of international relation, Middle East Technical University
- Ditto, S, 2013, " Reading rouhani : The Promise and Peril of Iran's New President", The Washington Institute for Near East Policy, Washington DC, united stated of America .
- Durani , L, A, 2015, " China and the South China Sea: The Emergence of the Huaqing Doctrine", **M.A Thesis**, Virginia Polytechnic Institute and State University, Blacksburg, Virginia
- Faghihi, R, 2016, " Iranian conservatives may be forced to embrace rouhani" available at: www.AI-manitor.com/pluse /originals 2016.upload on june 22. 2016, last visited: November 29.2016.
- Gerschwer, S, 2016, "Bracketing" Foreign Policy from Domestic Affairs: A New Paradigm for International Negotiation and Decision-Making", **Journal of Interdisciplinary Conflict Science**, Volume 2 , Issue 2, pp. 1-10.
- Golkar, S, 2016, " Iran's supreme leader hasn't joust fought rouhani" , available at: <http://nationalinterest.org/ -16272>, upload at: May 19, 2016, last visited: January 11, 2017.
- Gordon , A. M, 2014, "U.S. in the Unipolar Moment: Analysis of George W. Bush Middle East Foreign Policy", **M.A thesis**, Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Hermann. M. G, 1980, " Explaining foreign policy behavior using the personal characteristic of political leader", **international studies quarterly**, Vol.24, No.1, pp. 7-46.
- Hafeznia, M, 2005, "Dialogue Among Civilizations as a New Approach for International Relations", **J. Humanities** Vol., 12 No.1 , PP.21-30.
- Hemmasi, M, 2009, "International ramifications of the "Reformists" triumph in the recent Iranian elections", **Prairie Perspectives**, Vol. 12, pp.243-257.
- Hovsepian-Bearce, Y, 2016, "**The Political Ideology of Ayatollah Khamenei: Out of the Mouth of the Supreme Leader of Iran**" Volume 9 of UCLA Center for Middle East Development CMED series, Routledge publisher, London and New York
- Huang,X, 2016, " The Iranian nuclear issue and regional security: delimaes, respons and the future", sabbatical leave report, Department of Political Affairs.
- Hunter, T. SH, 2010, "**Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Order**" PRAEGER, an imprint of ABC-CLIO,LLC. Santa Barbara, California.

- Huxsoll, D, B, 1991, “ Regimes, institute and foreign policy” **PH.D Thesis**, The Department of Political Science, Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College.
- Hadžikadunić, E, 2014, “ underrating Iran foreign policy-the case of Iran nuclear program”, **Epiphany: Journal of Transdisciplinary Studies**, Vol. 7. No. 2, pp.1-13.
- Hsieh, J, Ziemba, R, Dubowitz, M, 2015, “ Iran’s economy will slow but continue to grow under chapter oil and current sanction”, Roubini Global Economics, New York, pp.1-15.
- Jervis, R, 1978, “Perception and misperception in the international relation”, Princeton, Princeton university press.
- Kamrava, M, 2010, “ The 2009 elections and irons’ changing political andscape”, Elsevier Limited on behalf of Foreign Policy Research Institute., pp.400-412.
- Kaydo, A, 2009, “ The role if the bureaucracy in foreign policy formulation” **south africa journal of international affairs**, Vol. 7, No. 4, pp.15-35
- Maloney, S, 2011, “U.S. Policy Toward Iran Since 9/11”, available on: http://www.cairn-int.info/article-E_PE_113_0573--us-policy-toward-iran-since-9-11.htm, upload on: 3/2011, Last visited: January 10, 2017.
- Mccormic, M. J, 2010, “**American Foreign Policy and Process**”, Cengage Learning publisher, Wadsworth, united state of America .
- Mousavian, S. H, 2012, “**The Iranian Nuclear Crisis: A Memoir**”, Brookings Institution Press, Washington, D.C.
- Parsi, R, 2013, “ The Domestic and Foreign Policy Challenges of the New ranian President, Hassan Rouhani, Wilson center, middle east program, view point, No.30, pp.1-20.
- Rasouli Saniabadi, E, 2015, “ Four Approaches to Foreign Policy Analysis: The Case of Existing Administration, **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 5, No. 4., pp. 47-69.
- Reiby, A, 2012, “public opinion and US china policy: a quantitative analysis of relation between American public opinion and foreign policy toward china, 1990-2004”, **M.A Thesis**, department of political science, University of Oslo
- Rezaei, F, 2016, “Iran’s Nuclear Program 1979-2015: A Study in Proliferation and Rollback”, center for Iranian studies, Ankara, turkey.
- Rose, G, 1998, “Review: Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy”, **World Politics**, Vol. 51, No. 1, pp. 144-172
- Shanahan, R, 2015, “Iranian foreign policy under Rouhani”, The Lowy Institute for International Policy, Australia, pp. 1-15.
- Sinkaya, B, 2016, “**The Revolutionary Guards in Iranian Politics: Elites and Shifting Relations**”, Routledge publisher, London and New York.
- Skinner, M, 2007, “American imperialism: the new world order and its systematic ideology of war” **M.A thesis**, departemant of political scince, York university.
- Smyth, G, 2006, “ fundamentalist, pragmatist and right of nation : Iranian politics and nuclear confrontation, brief report, A century foundation Inc, New York .pp.1-37.

- Smith, B, 2011, “ Iran’s nuclear program: an update”, House of commons , international affairs and deafen section, No. sn/ia/6039,pp. 1-31
- Sohrabi, N, 2006, “Conservatives, Neoconservatives and Reformists: Iran after the Election of Mahmud Ahmadinejad”, Middle east brief , Crown Center for Middle East Studies, Brandies university, pp.1-6.
- Sohrabi, N, 2011, “ The Power Struggle in Iran: A Centrist Comeback?”, Middle east brief , Crown Center for Middle East Studies, Brandies university, No. 53, pp.1-8.
- Warnaar. M, 2013 , “ **Iranian foreign policy during Ahamdinejad : ideology and actions**” first publish, United state of America, Palgrave Mac Milan
- Tazmini, GH, 2013, “Rouhani: A New Perspective for Iran, Institute for Strategic and International Studies, Lisbon, Portugal,PP. 1-5.
- Van den bosch, J, 2014, “Mapping Political Regime Typologies”, available at: pressto.amu.edu.pl/index.php/pp/article/viewFile/2103/2093.